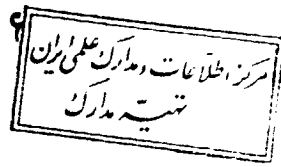


۱۳۷۶ / ۴۱



# دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

## موضوع:

دیه و خسارات مازاد بر آن

با نگرشی بر قوانین و رویه قضایی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر رضانور بها

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد علی اردبیلی

نگارش:

هادی اسداله زاده تنسوان

زمستان ۱۳۷۵

۹۰۹۶

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	پیشگفتار
۱	مقدمه

## فصل اول: کلیات

۷	مبحث اول: مفهوم دیه
۷	بند اول: تعریف لغوی و واژه‌های مترادف
۷	الف: تعریف لغوی
۷	ب: واژه‌های مترادف و معادل
۸	بند دوم: تعاریف شرعی و فقهی (نظریات فقهای مذاهب اسلامی)
۸	الف: تعریف شرعی
۹	ب: نظریات فقها
۱۱	بند سوم: تعاریف حقوقی و قانونی
۱۱	الف: نظریات علماء حقوق

- ب: تعریف قانونی دیه ..... ۱۳
- مبحث دوم: پیشینه تاریخی دیه ..... ۱۷
- بند اول: دیه در نظام حقوق عرفی پیش از اسلام ..... ۱۷
- بند دوم: دیه در نظام حقوق اسلامی ..... ۱۹
- بند سوم: دیه در نظام حقوقی ایران ..... ۲۲
- مبحث سوم: شروط تحقق دیه ..... ۲۵
- بند اول: وقوع جنایت یا فعل مستوجب دیه ..... ۲۶
- الف: مشروعیت ..... ۲۹
- ب: تقصیر ..... ۳۳
- بند دوم: اثر جنایت ..... ۳۶
- الف: نوع جنایت ..... ۳۷
- ب: جنایت باید ثابت و مستقر باشد ..... ۳۹
- بند سوم: رابطه سببیت میان فعل جانی و اثر جنایت ..... ۴۰
- الف: رابطه سببیت در جنایت مباشری ..... ۴۲
- ب: رابطه سببیت در جنایت مبتنی بر تسبیب ..... ۴۳
- ج: رابطه سببیت در جنایت ناشی از اجتماع سبب و مباشر ..... ۴۵
- بند چهارم: شروط مجنی علیه ..... ۴۹
- الف: محقون الدم بودن مجنی علیه ..... ۴۹
- ب: مقصر نبودن مجنی علیه در وقوع جنایت ..... ۵۰

## فصل دوم: بررسی مقایسه‌ای دیه با مجازات مالی و مسئولیت مدنی

- مبحث اول: دیه و مجازات مالی ..... ۵۷
- بند اول: مجازات مالی در فقه ..... ۶۱
- الف: انواع مجازات مالی در فقه ..... ۶۳
- ب: ویژگی‌ها و اصول حاکم بر مجازات مالی در فقه ..... ۶۵
- بند دوم: مجازات مالی در حقوق جزای عرفی (موضوعه) ..... ۶۸
- الف: انواع مجازات مالی ..... ۶۸
- ب: ویژگی‌ها و اصول حاکم بر مجازاتهای مالی ..... ۷۳
- بند سوم: آیا دیه مجازات مالی است؟ ..... ۸۱
- الف: تمایزات دیه با جزای نقدی ..... ۸۵
- ب: دیه در جنایات غیر عمدی ..... ۸۸
- ج: دیه در جنایات عمدی ..... ۱۰۴
- مبحث دوم: دیه و مسئولیت مدنی ..... ۱۰۹
- بند اول: مسئولیت مدنی یا ضمان در فقه ..... ۱۱۰
- الف: انواع ضمان ..... ۱۱۰
- ب: مصادیق ضمان قهری ..... ۱۱۲
- ج: دیه و ضمان قهری ..... ۱۱۵
- بند دوم: مسئولیت مدنی در حقوق عرفی (موضوعه) ..... ۱۲۱
- الف: مفهوم مسئولیت مدنی و مبنای آن ..... ۱۲۲

- ب: ارکان مسئولیت مدنی ..... ۱۲۶
- ج: انطباق قواعد دیه با قواعد مسئولیت مدنی ..... ۱۳۶

### فصل سوم: خسارات مازاد بر دیه

- مبحث اول: جایگاه بحث و ضرورت جبران خسارت مازاد بر دیه ..... ۱۴۷
- بند اول: ارتباط ماهیت دیه با امکان مطالبه زیان ناشی از جرم و خسارت اضافی .. ۱۴۷
- الف: ماهیت کیفری دیه ..... ۱۴۷
- ب: ماهیت حقوقی (مدنی) دیه ..... ۱۴۸
- ج: ماهیت دوگانه دیه ..... ۱۴۹
- بند دوم: عدم کفایت دیه برای جبران خسارتهای وارده ..... ۱۵۰
- الف: از لحاظ نظری ..... ۱۵۰
- ب: رویه قضایی ..... ۱۵۱
- بند سوم: خسارتهای قابل مطالبه مازاد بر دیه و شروط آن ..... ۱۵۲
- الف: انواع خسارتهای قابل مطالبه ..... ۱۵۲
- ب: شروط ضرر و زیان قابل جبران ..... ۱۵۹
- مبحث دوم: بررسی نظرات فقها و حقوقدانان و رویه قضایی ..... ۱۶۰
- بند اول: مستقل بودن ضمان دیه از ضرر و زیان ناشی از جرم و خسارتهای وارده .. ۱۶۱
- بند دوم: عدم مشروعیت جبران خسارتهای مازاد بر دیه ..... ۱۶۱
- بند سوم: خسارتهای افزون بر دیه مقدر قابل جبران می‌باشند ..... ۱۶۲

- بند چهارم: رویه قضایی ..... ۱۶۷
- مبحث سوم: مبانی و مستندات لزوم جبران خسارتهای مازاد بر دیه ..... ۱۷۱
- بند اول: مبانی و مستندات فقهی ..... ۱۷۹
- بند دوم: دلایل و مستندات قانونی ..... ۱۹۲
- بند سوم: رویه قضایی ..... ۱۹۵
- نتیجه گیری ..... ۲۰۳
- منابع و مأخذ ..... ۲۰۷

**پیشگفتار:**

با فرا رسیدن موسم فراغت از تحصیل بر خود فرض می‌دانم، عنایات الهی را سپاس گفته، شکرگزار اعطای قدرت تفکر و تحصیل علم از جانب پروردگارم باشم، گرچه در دوران تحصیل با مشکلات فراوانی مواجه بوده‌ام، لیکن از تلاش و رفع آنها یک لحظه از پا نشسته‌ام. در هر حال امید آن دارم الطاف ایزدمنان کماکان شامل حال شده و همچنانکه مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد (حقوق جزا و جرم شناسی) را در این دانشکده بپایان رساندم بتوانم آخرین مقطع این رشته تحصیلی را نیز در همین دانشکده آغاز و به انجام برسانم.

ذکر خلاصه‌ای در خصوص چگونگی انتخاب موضوع پایان نامه حاضر ضروری می‌نماید.

پس از بررسی و تحقیق موضوعات مختلف حقوق جزاء و جرم شناسی و پیشنهاد برخی از آنها به استادان گرامی خصوصاً جناب آقای دکتر نور بها، نهایتاً با راهنمایی ایشان موضوع حاضر به تصویب گروه حقوق جزا رسید و تحقیق و نگارش تفصیلی آن آغاز شد.

انگیزه انتخاب این موضوع، مشکلات مبتلابه و رویه‌های معارض محاکم قضایی می‌باشد. بارها در آراء قضایی مشاهده شده است که ماهیت حقوقی دیه را مجازات تلقی کرده‌اند و در برخی نیز عنوان ضمان یا خسارت به آن داده‌اند. همچنین بر اساس هر یک از رویه‌ها و دیدگاه‌های مزبور بر ماهیت حقوقی دیه، حکم به مطالبه ضرر و زیان مازاد بر دیه (خسارتهای ناشی از صدمات بدنی و هزینه‌های معالجه و غیره) و یارد دادخواست ضرر و زیان مدعیان خصوصی. صادر نموده‌اند در عین حال همین تعارضات در متن قانون مجازات اسلامی بوضوح مورد تصویب قانون‌گذار قرار گرفته است. این موضوع نه تنها با منطق و سیاق قانونگذاری در تضاد است بلکه در نحوه استیفاء حقوق زیان دیدگان و متضررین از جنایات بر نفس و اعضاء تاثیر بسزایی دارد، از طرف دیگر در میان تالیفات و تحقیقات حقوقی موجود در کشورمان، چندانکه باید و شاید این مهم مورد توجه حقوقدانان قرار نگرفته و خلاء ناشی از این موضوع بشدت احساس می‌شود و به جرات میتوان گفت که تاکنون کتاب جامع و مانعی در این خصوص به رشته تحریر در نیامده است. این موضوع بر مشکلات نگارنده در گردآوری مطالب حقوقی در این زمینه افزوده است. بنابراین منابعی که مورد استفاده قرار گرفته غالباً از تالیفات فقها و به زبان عربی بوده است، شیوه کار بر مبنای تحلیل حقوقی و فقهی (در حد توان) مسائل مربوط به موضوع استوار می‌باشد. استناد به آراء قضایی و مقررات و قوانین موجود نیز از نظرنگارنده دور نمانده است و اصولاً برای مدلل و مستند کردن تحلیل‌ها نمونه‌ای از رویه قضایی و مواد قانونی و نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در ضمن مباحث مطروحه مورد اشاره قرار گرفته و تجزیه و تحلیل شده است.



علی رغم سعی و تلاشی که در نگارش این رساله مصروف داشته‌ام، بی عیب و نقص بودن آنرا منکر نیستم لذا از محضر خوانندگان عزیز پوزش می‌طلبم و امیدوارم کاستی‌های این مختصر را به دیده اغماض بنگرند، در پایان از زحمات بی شائبه جناب آقای دکتر نوربها، استاد راهنما و جناب آقای دکتر اردبیلی استاد مشاور این پایان نامه قدر دانی و تشکر می‌نمایم.

هادی اسداله زاده تنسوان

### مقدمه:

نظام جزایی هر جامعه مهمترین نهاد حقوقی و نموداری از رشد و نضج و پیشرفت آن در راه تحقق بخشیدن به حقوق، ارزشها و آزادیهای انسانی است. بعد از انقلاب اسلامی در نظام حقوقی کشورمان دگرگونیهای قابل توجهی بوجود آمد و در این روند نهایت اهمیت بر این بوده تا میان قوانین موضوعه و ضوابط شرعی انطباق اساسی صورت گیرد این مهم حتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده است (اصل ۴) در همین راستا تغییرات بنیادی در حقوق کیفری بوجود آمده یکی از موضوعاتی که در چارچوب قوانین جزایی بعد از انقلاب مورد نظر مقنن بوده قوانین و مقررات مربوط به دیات می باشد. بعد از تصویب اولین قانون راجع به دیات در سال ۱۳۶۱ و با گذشت زمان اندکی از اجرای آن سوالات اساسی و مشکلات عملی برای جامعه حقوقی و مراجع قضایی رخ نمود. عمده سوالات و مشکلات مطروحه، مربوط به ماهیت حقوقی دیات و همچنین به عدم جبران خسارتهای وارده به آسیب دیدگان و متضررین از جنایات بر نفس و اعضاء از طریق پرداخت دیه بوده است و سوالات دیگری

از قبیل اینکه مسئولیت عاقله به پرداخت دیه در چارچوب مسئولیت کیفری قرار می‌گیرد یا مسئولیت مدنی و ... (این سوال اخیر خارج از بحث ماست) عبارت دیگر آیا احکام و مقررات راجع به دیات با نظام حقوقی فعلی و شرایط زمانی و مکانی کنونی انطباق دارد و میتواند بعنوان مبنایی کامل جهت احقاق حقوق قربانیان جنایت بر نفس و اعضاء قرار گیرد و اصولاً: ماهیت دیه چه می‌باشد؟ آیا دیه ماهیتی جزایی دارد و شارع به هنگام وضع و تشریح احکام دیات، صرفاً جنبه کیفری برای آن در نظر گرفته است و اگر چنین است، خسارتهای وارده بر مجنی علیه در نظر شارع چگونه جبران شده است؟ و با فرض امکان مطالبه تمامی خسارتهای وارده علاوه بر دیه، آیا این موضوع بر خلاف مصالح و مقاصد قانون‌گذار اسلامی نیست چراکه موجب تضییع و اجحاف حقوق جانی خواهد بود خصوصاً با توجه به اینکه در نظام مسئولیت مدنی عرفی خسارتهای وارده یکبار قابل جبران می‌باشد و یا اینکه دیه از نظر شارع دارای ماهیتی حقوقی (مدنی) است، در این فرض نیز این سوال مطرح است که با فرض عدم کفایت دیه برای پوشش و جبران خسارتهای وارده آیا امکان مطالبه خسارتهای زاید بر دیه شرعاً وجود دارد یا اینکه آنچه تحت عنوان دیه تشریح گردیده، بعنوان مال مقطوعی است که برای جبران کلیه خسارتهای وارده وضع گردیده و مطالبه اضافه بر آن شرعاً مجاز نیست، مستمسکی که در آراء شعبات دیوان عالی کشور بیشتر از دادنامه‌های صادره از دادگاههای تالی بچشم می‌خورد.

پاسخ به سوالات مطروحه فوق طی سالیان اجرای مقررات راجع به دیات دارای فراز و نشیبهای زیادی بوده است و اصولاً می‌توان گفت که پاسخ جامع و مانعی برای آنها

از جانب فقها و نه از جانب حقوقدانان داده نشده است در خود قانون نیز دوگانگی هایی دیده می شود و آراء قضایی مبتنی بر وحدت رویه نمی باشد و میان نویسندگان حقوقی نیز بعضا اختلاف آراء مشاهده می شود، سعی ما بر این است که در این رساله پاسخ مناسبی برای سوالات مطروحه فوق الذکر از میان مجموع منابع حقوق شرعی و عرفی بیابیم هر چند ادعای آن نداریم که نقطه نظرات و نتایج بدست آمده صائب ترین و کاملترین خواهد بود. با عنایت بموارد یاد شده فرض ما بر این است که اثبات نمائیم:

۱- مقررات راجع به دیات احکامی امضایی است بنابراین باید پایه های اولیه پیدایش و پیشینه تاریخی دیه قبل از ظهور دین اسلام را در نتیجه گیری دخالت دهیم، اگر چه بعضی از احکام جزئی آن جنبه تاسیسی دارند.

۲- از لحاظ ماهوی دیه جنبه غیر جزایی داشته و هدف شارع از آن جبران صدمات و لطمه هایی بوده که در اثر جنایت بر نفس و اعضاء انسان وارد می شود.

۳- مالی که بعنوان دیه پرداخت می گردد با فرض خسارت بودن آن، تدارک کلیه خسارتهای وارد، را نمی نماید بنابراین از این لحاظ نمی تواند مبنای کاملی برای احقاق حقوق متضررین از جنایت قلمداد شود.

۴- نه لحاظ شرعی و نه از لحاظ مقررات قانونی جاری منعی برای مطالبه ضرر و زیان مازاد بر دیه ناشی از جنایت بر نفس و اعضاء وجود ندارد بلکه هم مقررات شرع و هم مواد قانونی لازم الاجرای فعلی مبین جبران اینگونه خسارتهاست.

۵- برای احقاق تمامی حقوق متضررین از جنایت بر نفس و اعضاء بایستی از طریق کارشناسی کلیه خسارات وارده به مجنی علیه اعم از مادی، معنوی و منافع ممکن

الحصول تعیین گردد و چنانچه مالی که بعنوان دیه پرداخت می‌گردد، این خسارتها را جبران نکند، زیان دیده حق خواهد داشت نسبت به مطالبه مازاد بر دیه اقدام نماید. و نهایت اینکه از لحاظ عملی می‌بایست به جنبه دوگانه دیه معتقد باشیم. این موضوع بالاخص در خصوص آئین دادرسی قابل توجه و استفاده خواهد بود، زیرا علیرغم اینکه از نظر ماهیت حقوقی دیه جنبه خسارت دارد، لیکن به جهت اهمیت رسیدگی به اعمال مستوجب دیه که تحت عنوان جنایت بر نفس و اعضاء نامیده می‌شود لازم است که مقررات کیفری خصوصا آئین دادرسی کیفری بر آن حاکم باشد مضافا به اینکه با ایراد اصل قانونی بودن و مشخص بودن میزان دیه که با اصل قانونی و مشخص بودن مجازاتها هماهنگی دارد مواجه نخواهیم بود.

با توجه به فروض فوق الذکر مطالب پایان نامه بشرح ذیل در سه فصل طبقه‌بندی شده و مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

فصل اول به کلیات بحث اختصاص دارد، آنچه در این فصل بررسی می‌شود، مفهوم دیه، پیشینه مختصری از نظام دیه قبل از اسلام، در نظام حقوق اسلامی و نظام حقوقی ایران می‌باشد، همچنین شروط کلی تحقق دیه نیز در این فصل مطالعه می‌شود.

در فصل دوم موضوع مهم ماهیت حقوقی دیه مطالعه می‌گردد و مقایسه بین دیه و مجازات و همچنین مسئولیت مدنی به تفصیل بررسی می‌شود.

در فصل سوم، موضوع مطالبه خسارتهای مازاد بر دیه از نظر خواهد گذشت و مستندات و دلایل شرعی و قانونی چنین مطالباتی مطالعه خواهد شد. در پایان با نتیجه گیری نهایی رساله حاضر را به پایان خواهیم رساند.

# فصل اول

## کلیات

در این فصل ابتدا به تعریف دیه از نظر لغوی، شرعی و قانونی می‌پردازیم و نظرات حقوق دانان، فقهاء و مذاهب اسلامی را یادآور می‌شویم سپس تاریخچه مختصری از نظام دیات را در ادوار و نظامهای مختلف حقوقی مطالعه و نهایتاً شروط تحقق دیه را از لحاظ فقهی و حقوق موضوعه کشورمان از نظر می‌گذرانیم:

## مبحث اول: مفهوم دیه

### بند اول: تعریف لغوی و واژه‌های مترادف

#### الف: تعریف لغوی

دیه کلمه‌ای عربی بوده که در ترجمه فارسی خونبها نامیده شده است.<sup>(۱)</sup> همچنین بعنوان جزای نقدی تصریح شده است.<sup>(۲)</sup> در لغت نامه‌های عربی آمده است: «الدیه حق القتل»<sup>(۳)</sup> و «الدیه ما يعطى من المال بدل نفس القتيل»<sup>(۴)</sup> که در واقع در ترجمه فارسی همین معنا مورد نظر بوده است. لازم به ذکر است که واژه دیه از فعل «ودی یدی» ماخوذ است، فاء‌الفعل آن حذف و هاء معوض به آخر آن اضافه گردیده است.<sup>(۵)</sup>

#### ب: واژه‌های مترادف

در حقوق ژرمن قدیم، مبلغ خونبهایی که توسط جانی به مجنی علیه و در صورت مرگ او به خانواده‌اش پرداخت می‌شد تحت عنوان "wergild" نامیده می‌شد.<sup>(۶)</sup> و مطابق آنچه در لغت نامه دهخدا آمده، ورگیلد بهای انسان بوده و در همه فرهنگهای ژرمنی از جمله در دوره انگلوساکسونها وجود داشته است.<sup>(۷)</sup> واژه "composition" در میان مردم ژرمن، خونبهایی بوده که بعنوان جانشین قصاص از سوی عامل جنایت به بستگان قربانی

- ۱ - علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۲۳، حرف د
- ۲ - محمد علی تهرانی (کاتوزیان) فرهنگ کاتوزیان، ص ۳۳۷
- ۳ - یسوعی، المنجد فی اللغة و الاعلام، ماده دیه
- ۴ - ابن منظور، لسان العرب ج ۱۵ ص ۲۵۸
- ۵ - زین الدین بن علی العاملی (شهید ثانی) المعة الدمشقیة ج ۲ کتاب دیات ص ۳۹۲ و نیز (رک به) جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج ۴۳ ص ۲
- 6- Encyclopedia of Britanica

#### ۷ - علی اکبر دهخدا همان منبع



داده می‌شد.<sup>(۱)</sup> و فلسفه پرداخت "composition" جلوگیری از قصاص بوده است.<sup>(۲)</sup> مالی که بجای خون مقتول پرداخته می‌شد، بر حسب اختلاف لهجه و زبان قبائل و جماعات، نامهای گوناگونی داشت، مثلاً قبایل انگلیسی این مال را «پول خون» یا "Blood Money" می‌نامیدند و نزد قبایل صحرای غربی مصر بنام «سلاک» معروف است و قبایل عرب سینا آنرا "مده" می‌گویند، نزد قبایل عراقی "خشم" معروف است و نزد قبایل پیش از اسلام تحت عنوان "عقل" "ارش" و "دیه" متداول بوده است و در قرآن کریم نیز بنام "دیه" آمده است. "فغارة" نیز در میان اعراب پیش از اسلام نوعی دیه محسوب می‌شد و میزان آن هفتاد شتر بود و موقعی پرداخت می‌شد که کسی به دیگری پناه می‌برد و سپس بعلت عدم حمایت میزبان توسط ثالثی به قتل می‌رسید، در این صورت میزبان مکلف به پرداخت خفارة به ولی مقتول بود.<sup>(۳)</sup>

## بند دوم: تعاریف شرعی و فقهی

### الف: تعریف شرعی

مراد از دیه، شرعاً و دیه است. "واو" آن حذف و "ها" بجای آن در آخر کلمه افزوده شده است، پس دیه در اصل "ودی" یا "ودیه" بوده است، گفته می‌شود ودی و دیا، یا ودیت التتیل (خونبهای کشته را دادم)، تدی فلان اتدوا (دیه را گرفت) و در حدیث مشابه آمده است: فواده من ابل الصدقه" یعنی پیامبر (ص) دیه کشته را از شترهای زکات دادند و از پیامبر (ص) است که می‌فرماید "اذا شاء و اقادوا و ان احبوا و ادوا" یعنی اگر خواستند

۱ - رک. ماخذ شماره ۲

۲ - رک، ماخذ شماره ۳

۳ - عوض احمد، ادریس، الدية بين العقوبة و التعويض، ترجمه دکتر علیرضا فیض ص

قصاص می‌کنند و اگر خواستند دیه می‌دهند و می‌گیرند<sup>(۱)</sup> در قرآن کریم لفظ دیه بطور نکره آمده است "و من قتل مومنا خطأ" فتحر بر رقبة مومنة و دیه مسلمة الی اهله" یعنی و کسی که مومنی را به خطا بکشد بر اوست آزاد کردن بنده‌ای مومن و دیه که به اهل او داده شود.<sup>(۲)</sup>

### ب: نظریات فقها

فقهای مذاهب مختلف اسلامی نیز از دیه تعریف‌هایی ارائه داده‌اند البته هر گروهی از آنان که به مذهب معینی وابستگی دارد، درباره دیه به تعریفی مسلزم شده که با مذهب او سازگار است، فقهای حنفی دیه را چنین تعریف کرده‌اند، "دیه نام مالی است که عوض نفس یا جان پرداخته می‌شود و ارش نام مالی است که به سبب جنایت بر اعضاء واجب می‌شود". فقهای مذهب شافعی معتقدند "دیه مالی است که به سبب جنایت به مجنی علیه یا ولی او پرداخته می‌شود. فقهای مذهب مالکی چون فقهای سایر مذاهب اسلامی دیه را تعریف نکرده‌اند و فقط بر آن نام "عقل" نهاده‌اند بدون آنکه تعریفی معین از آن ارائه بنمایند.<sup>(۳)</sup>

فقهای امامیه نیز دیه را چنین تعریف کرده‌اند "دیه نام مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو واجب می‌شود.<sup>(۴)</sup>

۱ - همان منبع، همان صفحه

۲ - سوره نساء، آیه ۹۲

۳ - عوض احمد، ادریس، همان منبع ص ۲۶ و ۲۷

۴ - برای نمونه نظر دوتن از فقهای امامیه درج می‌شود: ۱- مولف کتاب جواهرالکلام می‌گوید: "مراد از دیه در اینجا مالی است که به سبب جنایت کردن بر شخص آزاد اعم از اینکه جنایت بر نفس باشد یا بر عضو، بر جانی واجب می‌شود، خواه آن مال که بعنوان دیه پرداخت می‌شود، معین شده باشد و خواه معین نشده باشد، اگر چه گاه دیه به مال معین شده از طرف شارع اطلاق می‌شود" جواهر ج ۴۳ ص ۲ در تحریر اوسیله چنین آمده است: "دیه مالی است که به سبب جنایت کردن بر نفس یا عضو واجب می‌شود فرق

ملاحظه می شود که این تعریفها اختلاف فاحشی با هم ندارند و به یکدیگر نزدیک هستند و تنها تفاوتی که میان آنها مشاهده می شود، تفاوت دیه نفس با دیه اعضاء است و چنانکه فقهای حنفی قتل نفس را مستوجب دیه و جنایت به اعضاء را مستوجب ارش می دانند.

برخی از فقهاء به کیفر بودن دیه تصریح نموده اند، عبدالقادر عوده در تعریف دیه آورده است: "دیه کیفر بدلی نخست است برای قصاص، پس هرگاه قصاص که کیفر اصلی است بهر سببی ممتنع گردد و یا ساقط شود دیه که کیفر بدلی است ثابت می شود و این در صورتی است که جانی مورد بخشودگی قرار نگرفته باشد. دیه مانند کیفر است برای جنایت بر عضو و اگر جای قصاص را بگیرد کیفر بدلی خواهد بود، قصاص کیفر جنایت عمدی بر اعضاء است و هرگاه جنایت غیر عمدی باشد دیه کیفر اصلی آن خواهد بود." (۱)

همچنین استاد احمد حصری، دیه را به طور غیر مستقیم و تحت عنوان کیفر بدلی چنین تعریف می کند "کیفر بدلی از کیفرهایی است که جای کیفر اصلی را می گیرد و آن در صورتی است که کیفر اصلی به سببی شرعی، قابل پیاده شدن نباشد، مثل وجوب دیه هر گاه از قصاص پرهیز شود." (۲)

نمی کند که از طرف شارع میزان آن معین شده باشد یا معین نشده باشد و گاهی دیه فقط بر آنچه معین شده است اطلاق می گردد و آنچه معین نشده است ارش یا حکومت گویند، ج

۲ ص ۵۵۳

۱ - به نقل از عوض احمد ادریس، الدیه بین العقوبة و التعویض ص ۲۶ الی ۲۸

۲ - منبع پیشین همان صفحه

از مجموع آراء فقهای مذاهب اسلامی مشخص می‌شود که عده‌ای از آنان به مالی بودن دیه اعتقاد دارند و متعرض جنبه‌های کیفری آن نشده‌اند و جنبه خسارت‌گونه دیه را غالب دانسته‌اند و برخی نیز به کیفر بودن دیه تصریح نموده‌اند. ما در فصل مربوط به مقایسه دیه با مجازات و خسارت مدنی باین موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

### بند سوم: تعاریف حقوقی و قانونی دیه

#### الف) نظریات علمای حقوق:

تفاوتی آراء و نظریاتی که در میان فقها، در خصوص دیه وجود دارد، در میان حقوقدانان نیز به چشم می‌خورد. البته اکثر حقوقدانان کصرفاً<sup>۱</sup> دیه را مجازات دانسته‌اند و یا اینکه آنرا بعنوان خسارات تلقی نموده‌اند و در خصوص جنبه‌های حقوقی هر یک از موارد فوق اظهار نظر نکرده‌اند و بطور کلی تعریف جامع و مانعی که ماهیت حقوقی دیه را تعیین و مشخص نماید، بدست نداده‌اند، اگر چه عده‌ای از حقوقدانان نیز به دوگانه بودن ماهیت دیه نظر داشته‌اند.

در خصوص مجازات بودن دیه دکتر پرویز صانعی می‌نویسد: "دیه به مجازاتهای مالی یا نقدی اطلاق می‌شود که در سه مورد باید پرداخت گردد و..."<sup>(۱)</sup>

دکتر مرتضی محسنی معتقد است: "سومین دسته از مجازاتهای شرعی مجازات

دیات است"<sup>(۲)</sup>

۱ - پرویز، صانعی، حقوق جزای عمومی ج اول ص ۹۱

۲ - مرتضی، محسنی، حقوق جزای عمومی جلد اول ص ۱۶۱